

علا پیشرفت فلسفه مادی

خلاصه مطالب مورد بحث :

- ۱ - مقدمه‌ای در مورد سیر تاریخی فلسفه مادی
- ۲ - فلاسفه مکانیست و قانون علیت
- ۳ - مشکلات علمی و رخنه در قلاع علت و معلول
- ۴ - ورشکستگی علوم در طریق کشف اسرار هستی و خلقت

۱ - سیر تاریخی مادیت در جامعه

مقصود این نیست که سیر تنظیم فلسفه مادی با نام بردن اشخاص از زمان فلاسفه یونان تا کنون بیان شود بلکه هدف مجله تاریخ اسلام بررسی اجتماعی قضایا و استفاده از تاریخ در راه اشاعه خدا پرستی و وظیفه شناسی است - اثریکه وقایع و علوم و اکتشافات در روحیه جامعه و توده مردم ایجاد می کند در طرز فکر و اعتقاد ایشان نیز مؤثر است خصوصاً که اجتماع قوه همیزه مستقل ندارد با مختصر تحریک احساسات شورانیده میشود و با کوچکترین تبلیغات مخالف عرصه مبارزه و کارزار را ترك میکند - بهمین علت امروز دانش روانشناسی در کلیه امور مطمع نظر علماء و دانشمندان قرار گرفته و حتی در موارد صددرد عملی و تجربه وحسی مانند پزشکی و صنعت نیز از آن استفاده میشود .

باتوجه بمقدمه بالا سیر تاریخی فلسفه مادی در اجتماع را مورد توجه قرار میدهیم تا علت پیشرفت این فکر روشن گردد و معلوم شود که چرا ارکان کاخ چند هزار ساله ایده آلیست‌ها در مدتی قلیل متزلزل و نزدیک بانهدام شده است - اینک پس از مطالعه مقدمه مختصری عامل اصلی و بازیگر حقیقی معرفی میشود و قضاوت آن بعهده خوانندگان محترم خواهد بود .

این مجله از اهل قلم و نویسندگان و متفکرین محترم دعوت مینماید که با تبلیغات خود درین زمینه بروشن شدن افکار و ارشاد عامه کمک فرمایند .

اثر فلسفه ایدالی در روابط اجتماعی

Philosophie – Idealiste این مکتب فلسفه از تصورات ذهنی صحبت می کند و آنها را مبنای اکتشاف ساختمان دانش میداند. فهم مطالب مورد بحث در این فلسفه گاهی بقدری مشکل میشود که حتی مبدعین و مبتکرین آنهم قادر بدرك واقعی آن نبوده اند چنانکه یکی از علمای بزرگ آلمانی پس از مطالعه ترجمه فرانسه اثر خود گفته است که (حال فهمیدم که چه گفته ام) گرچه این موضوع جنبه شوخی دارد ولی مبین آنست که درك مطالب فلسفه ایدالی واقعاً خالی از اشکال نیست. در حالیکه فلسفه مادی بر محسوسات اتکاء دارد و قابلیت تفهیمش بیشتر بوده و غریزه خودخواهی و آسایش طلبی بشر را بیشتر اقناع می کند زیرا بشر طالب گنج بدون رنج است .

بعلاوه فلسفه ایدالی بعالم ماوراء الطبیعه مربوط است و بقوای اندیشه و تفکر تکیه می کند و در واقع ارتباط کاملی با وحی و الهام دارد . بدین جهت پس از ذکر مقدمات بنتایج اخلاقی میرسد و برای بشر دستورالعملهایی میدهد تا روابط اجتماعی را اصلاح کند مثلاً میگوید :

لذات جهان ما فانی است و برای درك سعادت جاودانی باید به نیکوکاری پرداخت و از تجاوز و ظلم خودداری نمود و اعتدال را در شهوات حفظ کرد و چون اینها همان دستورات آسمانی است که پیغمبران آورده اند میتوان گفت که نمونه کامل این فلسفه بطرز عملی و قابل استفاده (یزدانشناسی) است .

که البته دستورات و مقررات آن باعث میشود بشر خودخواه به بعضی محدودیتها تن دهد و خویشتن را در منافع جامعه فانی شمرد و فداکاری در راه نوع را شعار خود سازد و حال آنکه فلسفه مادی کلامه ماوراء الطبیعه را ساخته ذهن میداند و انسان را خالق آن میشناسد بعبارت دیگر معتقد است که خدا پرداخته ذهن بشر است نه بشر آفریده خدا . با حکومت این فلسفه در صورتیکه بتوان از تیررس قوانین موضوعه

فرار کرد ارتکاب هر جنایتی بی مانع است پس شهوات را بوسیله هر حیاتی میتوان تأمین نمود و حساب و کتابی هم که در کار نیست کافیهست و کیل مدافع زبردست باشد و یا اصولاً قبل از احاله امر بدادگاه پرونده معدوم شود. البته تصدیق می کنید که این افسار گسیختگی انسان خودخواه را سخت خوشنود میکند.

روش غلط علمای ایدالیست و مخصوصاً کشیشهای مسیحی (که خود را اعلم علماء بشر میدانستند) نیز باضمحلال و انهدام این فلسفه کمک شایانی نمود.

در این مطلب باید دقت بیشتری نمود که بعقیده بنده لب لباب قضایاست. در قسمت مربوط بکشیشان و تدوین فلسفه اسکولاستیک که اخذ از فلاسفه یونان بوده و هر چه مخالف آن گفته میشد کفر و زندقه محسوب میگردد بحث مفصل و جداگانه لازم است که بیعد محول مینمائیم ولی نکته دیگر اینست که تا قبل از رنسانس طرز تتبع و تحقیق جز با تفکر و تصور معمول نبود و حال آنکه از آنموقع دو دانشمند شهیر اروپائی داروین و اسپنسر طریق تجزیه و محسوس را پیش گرفتند و عالمان با تعجب بسیار نظاره کردند که این قسم مطالعه در اقل زمان نتایج شگرف بار آورد و اختراعات محیر العقول بجموع بشری تقدیم نمود مسلم است که در اینجا نیز رضایت حس خودخواهی حیوان ناطق بطرزی باور نکردنی جلب گردید. بنده اذکر علل دیگری که باعث شکست فلسفه ایدالی شده و از ناحیه دیانت و روحانیون سرچشمه میگرفت فعلاً خودداری میکنم.

بنابر این بادقت در سه نکته بالا کلمه مرکب (خودخواهی) بشدت خودنمائی میکند. آری خودخواهی عامل اساسی و هنرپیشه واقعی این تماشاخانه بود و هست و خواهد بود وظیفه ما است که با مبارزه جدی این غریزه را مقهور و منکوب کنیم تا در تأمین سعادت واقعی جامعه سهم بسزائی تحصیل نمایم.

۲- فلاسفه مکانیست

تعریف مختصری از قانون علیت - اگر جسم وزینی را از یک هواپیما بزمین پرتاب کنید پیشرفت علوم ریاضی بجائی رسیده است که میتوان در صورتیکه ارتفاع محل

پرتاب. سرعت اولیه جسم. سرعت هواپیما. طرز جریان بادهای محلی و بقیه مشخصات اولیه معلوم باشد برای ما تعیین کند که در یک ثانیه بعد آن جسم در کجاست و در چند دقیقه بعد در کجا و چه موقع بر زمین اصابت میکند و در چه محلی فرود میآید باین ترتیب دقیقاً کلیه اتفاقات آینده در مورد سقوط پیش بینی میشود زیرا وضع آینده هر لحظه معلول علتیست که مشخصات لحظه سابق باشد در این میان هیچ اراده خارجی وجود ندارد و قطعه صلب بهیچ وجه حق تغییر مسیر را بدلخواه دارا نمیشد اگر این حالت را تعمیم دهیم باین نتیجه میرسیم که وضع کنونی جهان بیروح، کرات منظومه شمسی، کواکب، مظاهر طبیعت، رودها، جنگلها و غیره همه معلول وضع ماضی آنها و علت اوضاع آتی هستند. **و الله اعلم بالصواب مدرسه لیبیه قم**

بنابراین استدلال زنجیر مستحکم علت و معلول است که نظم جهان را حفظ میکند و آینده جهان کاملاً روشن است و بنا بقول موافقین اصولاً جهان و سرنوشت آن باهم ارتباط تام دارند و از روز ازل باتفاق آفریده شده اند. این بود قانون علیت که میتوان گفت بزبان علمی **وجوب ترتب معلول بر علت است**. از زمانهای خیلی قدیم که این فکر در دماغ فیلسوفان تولید شد بتدریج مداخله اراده خارجی در امور جهان بیروح تحت الشعاع قانون علیت قرار گرفت و موقعیت آفریدگار در مغز بشر از همان زمان متزلزل بود ولی در آن هنگام این مطلب عمومیت نداشت و تعلم و تعلیم مخصوص طبقات معدودی بود اصناف مختلف حق باسواد شدن نداشتند و بعدها نیز که خورشید اسلام درخشید باوجود دستورات اکید طلب العلم فریضة و اطلب العلم من المهدالی اللحد و غیره اگرچه اوضاع تغییرات فاحش یافت و انحصار طبقاتی از بین رفت معذالک در اثر گذشت زمان باز شیوه سابق پیش گرفته شد و هیئتهای حاکمه در اروپا برای حفظ حکومت جابرانه خود متوسل بآن محدودیتها شدند مخصوصاً در مورد آموزش فلسفه سختگیریهای زیاد میشد کیشها عقاید ارسطو را باین کاتولیک تطبیق نموده فلسفه اسکولاستیک را بنانهادند و هر چه مخالف آن بود کفر دانسته و گوینده را باچماق تکفیر نابود میساختند. **تمام**